

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

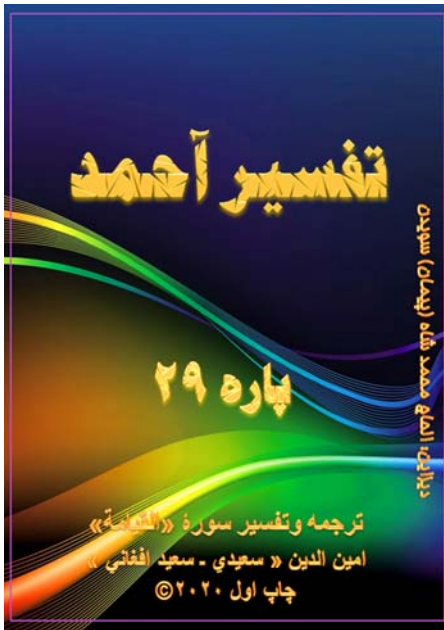
الحاج داکتر امین الدین سعیدی "سعیدافغانی"

۱۴ اپریل ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

## ترجمه و تفسیر سورة القيامة- ۱

سورة قیامه در مکه مکرمه نازل شده و دارای چهل آیت و دو رکوع می باشد.



**وجه تسمیه:**

این سوره به سببی به نام «قیامت» مسمی شد که قسم الهی به قیامت آغاز یافته است، تا شأن آن را بزرگ نموده و بر وقوع حتمی و رد بر منکران آن تأکید گذاشته باشد.

**نام سوره: «قیامة»**

**معانی نام سوره:** اینست که کلمه قیامت از قیام گرفته شده؛ قیامت به معنی برخاستن، و **یوم القیامة** به معنای روز برخاستن از قبرها و روز زنده شدن و حشر شدن است.

طوری که در فوق هم یادآور شدیم سوره قیامه دارای چهل آیت بوده، و در مکه مکرمه نازل شده است.

سوره قیامت (**قیامة**) دارای یکصد و شصت و چهار کلمه (با در نظر داشت اقوال اختلافی مفسرین در این بابت)، و (۶۷۶) حرف (با در نظر داشت اقوال اختلاف مفسرین در این بابت) می باشد.

**محتوا و مباحث اساسی این سوره:**

محتوا و مباحث اساسی این سوره را معاد و روز قیامت تشکیل می دهد.

در سوره جز چند آیتی که درباره قرآن عظیم الشأن و مکذبین بحث به عمل می آورد، در باقی موارد بحث هائی که در مورد قیامت در این سوره آمده روی هم رفته در چهار بخش جمعبندی می شوند:

موضوعاتی مربوط به اشراف الساعة (حوادث عجیب و بسیار هول‌انگیزی که در پایان این جهان و آغاز قیامت روی می‌دهند)؛ موضوعاتی مربوط به وضع حال نیکوکاران و بدکاران در آن روز؛ موضوعاتی به لحظات پر اضطراب مرگ و انتقال از این جهان به جهان دیگر؛ بحث‌های مربوط به هدف آفرینش انسان و رابطه آن با مسأله معاد (روز بازگشت).

### ترجمه و تفسیر سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

قسم می‌خورم به روز قیامت (۱)

«لَا أُقْسِمُ»: (در سوره‌های: واقعه، حاقه، معراج)

قسم خوردن پروردگار با عظمت به روز قیامت برای تعظیم و تفضیم شأن آن می‌باشد و قطعاً او صاحب اختیار است که به هر چیز از مخلوقاتش که می‌خواهد، قسم یاد نماید.

در نزد پروردگار با عظمت وقوع قیامت به طور قطعی است و لذا به آن قسم می‌خورد.

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲)

و قسم می‌خورم به نفس لوامه، وجدان بیدار و ملامتگر (۲)

«اللَّوَّامَةُ» «لامتگر». (که رستاخیز حق است)

### نفس لوامه:

به صورت کل باید به عرض برسانیم که نفس لوامه خود نمونه يك قیامت كوچك است و روز قیامت نمونه بزرگ نفس ملامتگر می‌باشد.

قیامت به منزله وجدان کل جهان است که در آن به صورت حساب همه انسان‌ها رسیدگی می‌شود.

نفس ملامتگر نیز وجدان فردی هر انسان است و قیامتی است که برای هر کسی در درون خودش بر پا می‌شود.

قرآن عظیم الشان برای نفس سه مرتبه بیان می‌دارد: نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه.

البته نفس اماره پائین‌ترین مرتبه نفس است و به معنای نفس فرمان دهنده و به شدت فرمان دهنده است. مقصود همان حالتی از نفس است که پیوسته انسان را به بدیها و زشتیها دعوت می‌کند، در آن هوا و هوس بر انسان غالب است و انسان، محکوم هواهای نفسانی خودش است. (ملاحظه شود سوره: یوسف)

مرتبه دوم نفس لوامه است به معنای ملامتگر.

«لوامه» از لوم با فتح لام مشتق است، که به معنای ملامت و سرزنش می‌آید، هکذا نفس ملامتگر که از آن به عنوان وجدان اخلاقی نیز یاد می‌کنند، نفس بیدار و آگاهی است که هنوز در برابر گناه مصونیت نیافته است و گاه گاهی لغزش پیدا می‌کند و به دامان گناه می‌افتد، اما هرچه زودتر به خود می‌آید و به مسیر سعادت باز می‌گردد و به ملامت و سرزنش آدمی می‌پردازد و او را توبه می‌دهد.

و به عبارت دیگر نفس لَوَامِه قوه ایست در درون انسان که انسان را در مورد کارهای بد ملامت می کند. این نفس مثل يك قاضی عادل است که نفس اماره را مورد ملامت و سرزنش قرار می دهد که چرا فلان کار را انجام دادی یا چرا فلان کار را نکردی.

حسن بصری (ابوسعید و یا حسن بصری متولد سال ۲۱ هجری در مدینه و متوفی سال ۱۱۰ هجری قمری در بصره) از علمای مشهور جهان اسلام نفس لوامه را به نفس مؤمنه تفسیر نموده، و فرموده است: والله مؤمن همیشه و در هر حال نفس خود را ملامت می کند، ملامتش بر سینات ظاهر است، و در حسنات و کار های نیک، نیز در قبال شأن خداوندی، احساس کمی و کوتاهی می نماید؛ زیرا ادای کامل حق عبادت، در توان کسی نیست، بنابر این، همیشه کوتاهی خود را در نظر می گیرد و خود را بر آن ملامت می کند. (مأخذ: تفسیر معارف القرآن مؤلف علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی سورۃ القیامة)

نفس مطمئننه بالاترین مرتبه نفس انسان است که نفس آرامش یافته و به حقیقت رسیده است که هیچ گونه ترس و دو دلی و تردیدی ندارد و به آرامش کامل رسیده است.

نفس مطمئننه، نفس تکامل یافته ای است که نفس اماره را رام خود کرده است و به مقام تقوای کامل و احساس مسؤلیت رسیده است و به آسانی لغزش برای او امکان پذیر نیست (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به سورۃ: فجر). به هر حال نفس لَوَامِه، بعد از وقوع کار نیک یا بد، بلافاصله محکمه در درون انسان تشکیل جلسه می دهد و به عنوان قاضی و شاهد مجری حکم به حساب و کتاب او می رسد.

طبق توضیحات فوق نفس لَوَامِه را می توان همان وجدان انسان دانست که همیشه انسان را به خاطر کارهای بدش سرزنش می کند و به حساب هایش رسیدگی می نماید که چرا فلان کار را کردی، چرا این کار را انجام ندادی، چرا اینگونه سخن گفתי، چرا اینگونه با مردم برخورد کردی. این سوالات و سرزنش ها را انسان در روز قیامت نیز تجربه می کند. یعنی يك میزان عدل الهی داریم که در روز قیامت برپا می شود و يك میزان جزئی داریم که در قلب هر شخصی وجود دارد و آن نفس لَوَامِه است.

پس دیده می شود که در این آیت متبرکه که الله تعالی به دو چیز قسم می خورد قسم به ترازوی عدل بزرگ که قیامت است و قسم به ترازوی عدل کوچک که در درون انسان وجود دارد که نفس لَوَامِه (ملامتگر) می باشد.

«لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّوَامَةِ»: شاید بهترین معادل برای نفس لوامه در اصطلاحات ما «وجدان» باشد و کاری که نفس لوامه می کند همان «عذاب وجدان» است. یکی از خصوصیات مهم قیامت، همانا محاسبه، حسابرسی و مؤاخذه است؛ و خداوند این ویژگی را در همین دنیا در وجود ما قرار داده است؛ و شاید به همین جهت باشد که الله تعالی در این آیت و آیت قبل قسم خوردن به قیامت را در کنار قسم خوردن به نفس لوامه قرار داده باشد.

همچنان حضرت ابن عباس (رض) و حسن بصری(رض) در مورد قسم یاد کردن به نفس لوامه می فرمایند: برای اظهار اکرام و شرف آن نفوس مؤمنه است که خود شخصاً اعمال خود را مورد محاسبه قرار داده بر کوتاهی های خود نادم شده خود را ملامت کنند. (مأخذ: تفسیر معارف القرآن مؤلف علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی سورۃ القیامة).

### أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعِ عِظَامَهُ (۳)

آیا انسان گمان می کند که ما هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟(۳)

در این آیت متبرکه که الله تعالی می فرماید: که استخوان های در هم پاشیده انسان را گرد خواهد آورد آنگاه هر انسان را زنده خواهد کرد تا او را مورد محاسبه قرار داده و سپس به او جزای مناسبی داده می شود.

مفسرین در بیان شأن نزول آیت کریمه می فرمایند:

عدی بن ربیعہ به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: ای محمد! به من از روز قیامت بگو که چه وقت به وقوع خواهد پیوست؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم حقیقت امر قیامت را به وی باز گفتند. سپس او گفت: حتی اگر این روز را به چشم سر هم ببینم، تو را تصدیق نمی کنم و به آن ایمان نمی آورم، عجب! آیا خداوند متعال این استخوانها را پس از پوسیدن آنها گرد می آورد؟! پس این آیت کریمه نازل گردید. قرآن عظیم الشان در جواب به این انکارکنندگان می فرماید: الله تعالی نه تنها استخوانها، بلکه قادر است سرانگشتان را بازسازی کند. (مأخذ: تفسیر انوار القرآن: جلد سوم) نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی سورة القيامة).

### بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)

بلی! قادریم که حتی خطوط سر انگشتان او را موزون و مرتب گردانیم (۴)  
در آیت مبارکه به جواب شخص منکر که در مورد وقوع قیامت سوال نموده بود گفته شده است: بلی قادریم که [حتی خطوط سر] انگشتان او را موزون و مرتب کنیم

### بَنَانَهُ چیست؟

کلمه «بَنَانٌ» هم به معنای انگشتان و هم به معنای سر انگشتان آمده است. اما برخی از مفسرین آن را به «خطوط سرانگشتان» معنی کرده اند.

بر سر انگشت همه انسانها خطوطی وجود دارد که این خطها در هر انسان به شکل خاصی خود بوده و به خطوط سر انگشتان انسان دیگر متفاوت می باشند. حتی در اطفال دوگانگی، خطوط یک برادر یا یک خواهر با برادر دیگر و خواهر دیگر در حالی که از لحاظ زمانی ولادت شان چندان متفاوت نمی باشد و هر دو در یک رحم مادر رشد و نمو نموده اند، فرق می کند.

بنابراین اثر انگشت هر کسی امضای طبیعی اوست که هیچ کس نمی تواند آن را جعل و یا هم مشابه آن را بیاورد. طوری که اطلاع دارید ادارات پولیس امنیتی و جنائی درجهان از اثر نشان انگشت (فنگر پرنیت - (Finger print) برای پیدا کردن مجرمین استفاده به عمل می آورند، وارگانهای امنیتی با انگشت نگاری می توانند صاحب اثر انگشت را پیدا کند.

با کمک همین اثر انگشتها می توان یک شخص را از بین میلیونها انسان شناسائی کرد.  
علاوه بر سر انگشتان، برخی از علماء بدین عقیده اند که اثر لبهای انسانها هم از یک دیگر متفاوت می باشد. مانند اثر نشان انگشتها، هیچ دو انسانی یافت نمی شود که اثر لبها و انگشتان عین چیز باشد. سبحان الله  
قرآن عظیم الشان ۱۴۰۰ سال قبل به این راز معجزه آسا اشاره نموده و فرموده است: «الله تعالی در روز قیامت شما را دوباره بازسازی خواهد کرد و حتی اثر انگشت شما را هم مثل زمانی که در دنیا بودید دوباره خواهد ساخت.»  
دانشمندان می فرمایند که چرا الله تعالی بر روی «بَنَانٌ» تأکید دارد و آیا آفرینش آن پیچیده تر از عظام است؟  
پس از آن که کفار از زنده شدن بعد از مرگ و شکل گیری استخوانهای پوسیده و خاک شده را به شکل اول آن انکار کردند گفتند:

«أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظْمًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ» (آیت: ۱۶ سورة صافات) اگر توجه فرموده باشید: منکرین روز قیامت برای ادعای پوچ انکاری خویش هیچ وقت، منطق و استدلال صحیحی ندارند و به جای استدلال فقط استبعاد می کنند و البته با تمام دقت برای شان گفت: انکار لجوجانه معاد سبب خواری در قیامت است.

پروردگار با عظمت ما، با يك اسلوب تأكیدی به آن ها جواب داد که خداوند نه تنها قادر به جمع آوری استخوان های پوسیده و اجساد خاك شده آن ها و اعاده آفرینش آن هاست بلکه قادر است، شکل و تصویر سرانگشتان انسان ها را مانند روز اول خلق کند. یعنی این که سر انگشتان دوباره مانند روز اول ساخته شود، به معنای تمام شدن آفرینش تمام جسد انسان است، طوری که می فرماید: «قَالَ مَنْ يَحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ» (سوره يس ۷۸). یعنی: گفت: «چه کسی استخوان های پوسیده را زنده می گرداند؟!» بنابراین همان جسم پوسیده او احیاء می گردد و آنگاه روح به جسد او باز می گردد، بنابراین انسان وجود جدیدی به دست نمی آورد.

الله تعالی با زیبایی خاصی در (آیت: ۲۷ سوره روم) می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ» «او کسی است که آفرینش را آغاز کرد سپس دوباره آن را برمی گرداند و آن را تجدید می نماید و این کار بر او آسان است».

غرض معلومات باید یادآور شد که تشکیل سرانگشت در جنین در ماه چهارم صورت گرفته و در طول زندگی اش ثابت و متمایز می شود و ممکن است که اثر انگشت دو تن به هم نزدیک باشد اما هرگز یکسان نیست و لذا اثر انگشت يك دليل قاطع و ممیزی برای شخصیت هر انسان در همه کشورهاست.

### ایمان داشتن بعد از مرگ:

ایمان داشتن به زنده شدن بعد از مرگ از بزرگترین اصول ایمان در دین مقدس اسلام به شمار می رود و آنچه بر مؤمن واجب است این است که به احوال و حوادث آن ایمان داشته باشد و بداند که بسیاری از جزئیات و کیفیت آن بر بشر نامعلوم است و هنوز علم به آنجا نرسیده و شاید هم هرگز نرسد، بنابراین آنچه بر یک مسلمان واجب است تصدیق و ایمان به زنده شدن مردگان است، هر چند که عقل و علم محدود بشری آن را توجیه نکند! چرا که عقل و علم بشری هرگز به تکامل نخواهد رسید، و هنوز هم بسیاری از واقعیت های جهان را نتوانسته اند توجیه یا تحلیل کنند، ولی آیا آن واقعیتها انکار می شوند؟ در حالی که این علم است که هنوز به این حد از رشد و تکامل نرسیده که بتواند آن واقعیتها را تحلیل نماید.

بنابراین در اینجا علم محکوم است نه حقیقت و واقعیتی که علم عاجز از تحلیل آن است! خالق کائنات، همانکسی که تمام مخلوقات را با جزئیات ایشان خلق کرده است، قادر است که مردگان را زنده کند. الله تعالی می فرماید: «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ» (سوره بقره ۵۶) «سپس بعد از مردنتان شما را زنده می کنیم». پس بر طبق این آیت مبارکه باید ایمان داشته باشیم که خداوند مردگان را زنده می کند و از قبرهایشان خارج می گرداند، همین آیت برای یک مسلمان کافیهست.

و حقیقت زنده شدن این است که الله تعالی اجساد قیرها را که در آن حل شده اند، جمع می کند و به قدرت خود آن را برمی گرداند همانگونه که بود سپس به سوی آن ارواح را برمی گرداند و آنها را به سوی محشر برای حکم نهائی سوق می دهد. الله تعالی می فرماید: «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸) قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» (۷۹)

و (این انسان منکر قیامت) برای ما مثالی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد. گفت: چه کسی این استخوان های پوسیده و فرسوده را دوباره زنده می گرداند؟ (۷۹) بگو: همان ذاتی که بار اول آنها را آفریده است دوباره زنده می گرداند و او به هر آفرینشی داناست.)

و از حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ رَجُلًا حَضَرَهُ الْمَوْتُ لَمَّا آيَسَ مِنَ الْحَيَاةِ أَوْصَىٰ أَهْلَهُ إِذَا مِتُّ فَأَجْمَعُوا لِي حَطْبًا كَثِيرًا ثُمَّ أَوْزُوا نَارًا حَتَّىٰ إِذَا أَكَلْتُ لَحْمِي وَخَلَصْتُ إِلَىٰ عَظْمِي فَخُذُوهَا فَاطْخُوهَا فَذَرُونِي فِي النَّيْمِ فِي يَوْمٍ حَارًّا أَوْ رَاحٍ فَجَمَعَهُ اللَّهُ فَقَالَ لِمَ فَعَلْتَ قَالَ خَشِيتُكَ فَغَفَرَ لَهُ». بخاری (۳۴۷۹).

«شخصی در آستانه مرگ قرار گرفت و وقتی از برگشت به زندگی دنیا نا امید شد به خانواده اش وصیت کرده که وقتی مُردم چوب بسیاری برایم گرد آورید سپس آتشی روشن کنید تا گوشتم را از بین ببرد و به استخوانهایم برسد، جسمم را بردارید و آن را خُرد کنید و در روزی بسیار گرم یا روزی که باد بوزد در دریا اندازید. خداوند جسمش را جمع کرد و به او فرمود: چرا چنین کردی؟ گفت: به خاطر ترس از تو. پس خداوند او را بخشید».

این آیت و حدیث بر این امر دلالت دارند که الله تعالی اجساد را برمی گرداند و آنچه جدا شده و در زمین حل شده اند را جمع می کند تا آنجا که به حالت اول همانگونه که بود برمی گرداند پس ارواحشان را به آن برمی گرداند. بر طبق نصوص دینی خداوند بر زمین آب را نازل می کند پس به وسیله آن اهل قبور می رویند همانگونه که گیاهان می رویند. و دلیل بر آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که شیخین روایت کرده اند. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید:

«مَا بَيْنَ النَّفْخَتَيْنِ أَرْبَعُونَ قَالَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا قَالَ أَبَيْتُ قَالَ أَرْبَعُونَ شَهْرًا قَالَ أَبَيْتُ قَالَ أَرْبَعُونَ سَنَةً قَالَ أَبَيْتُ قَالَ ثُمَّ يُنْزِلُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيَنْبُتُونَ كَمَا يَنْبُتُ الْبَقْلُ لَيْسَ مِنَ الْإِنْسَانِ شَيْءٌ إِلَّا يَبْلَىٰ إِلَّا عَظْمًا وَاحِدًا وَهُوَ عَجْبُ الذَّنْبِ وَمِنْهُ يُرَكَّبُ الْخُلُقُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (بخاری (۴۹۳۵)، و مسلم (۲۹۵۵)).

«فاصله بین دو نفخ صور چهل است از ابوهریره پرسیدند: چهل روز است.

گفت: نمی توانم چیزی را بگویم به آن علم ندارم. گفتند: چهل ماه است؟

گفت: نمی توانم چیزی بگویم به آن علم ندارم. گفتند: چهل سال است؟

گفت: نمی توانم چیزی بگویم به آن علم ندارم. پیامبر فرمود: سپس خداوند از آسمان بارانی نازل می کند پس مرده ها زنده می شوند همانطور که گیاهان سبز می شوند. تمام اعضای انسان پوسیده می شود مگر یک قطعه استخوانی که عجب الذنب نام دارد که سالم باقی می ماند و انسانها در روز قیامت از این استخوان زنده و آفریده می شوند».

این حدیث بر کیفیت زنده شدن دلالت دارد و این که اهل قبور در قبرهایشان چهل در فاصله بین دو نفخه می مانند که آن دو نفخ، نفخ مردن و زنده شدن می باشد و راوی منظور از چهل را مشخص نکرده که آن چهل روز، یا چهل ماه یا چهل سال است. در بعضی از روایات آمده که چهل سال است. سپس هنگامی که خداوند بخواد مخلوقات را زنده کند بارانی از آسمان نازل می کند. در بعضی روایات آمده آن مانند منی مرد است پس اهل قبور از آن آب زنده می شوند همانگونه که گیاهان سبز می گردند بعد از این که تمام جسم شان جز استخوان عجب الذنب از بین رفت و این شامل انبیاء نمی گردد زیرا اجساد آنها نمی پوسد همانگونه که بیان آن قبلاً گذشت. با این توضیحات حقیقت زنده شدن، و زمان و کیفیت آن روشن گردید و الله اعلم.

رای صحیح بر بیان زنده شدن دلالت می نماید و زنده شدن تکرار برای خلق کردن است و برای هر عاقلی معلوم است که تکرار برای چیزی آسانتر از خلقت ابتدائی آن است.

ادامه دارد

